

نگاهی به برخی از معضلات سینمای کودک در هفته ملی کودک

مهم اما مهجور!

معصومه قاسمی

گفت و گو

از آن جایی که کودکی مهم‌ترین دوران زندگی هر فردی است و شخصیت انسان‌ها در آن دوران شکل می‌گیرد و همچنین با توجه به نقش شگفت‌انگیز رسانه‌ها در تربیت و زندگی آینده کودکان و نوجوانان، هر ساله در ایران جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود. امسال نیز به مناسبت هفته ملی کودک، جشنواره ملی فیلم کودکان با همکاری بنیاد فارابی و کانون پرورش‌ی کودک و نوجوان برگزار می‌شود و در این جشنواره فیلم‌های حوزه کودک و نوجوان به نمایش درمی‌آید؛ به همین بهانه با مجتبی فرآورده، تهیه‌کننده فیلم «۲۳ نفر» و امیر داسارگر؛ کارگردان فیلم سینمایی «منطقه پرواز ممنوع» برگزیده سی‌ودومین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان در اصفهان، درباره فضای فیلمسازی در ژانر کودک و نوجوان و ویژگی‌های این حوزه به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

سفر



مجتبی فرآورده؛ تهیه‌کننده «۲۳ نفر»:

نباید خودمان را با سینمای هالیوود مقایسه کنیم

در مورد مشکلات سینمای کودک و نوجوان و دلایل کم‌تعداد بودن این سبک فیلم‌ها در سینمای ایران بگویید؛ باتوجه به این‌که اغلب آثار کودک و نوجوان در سینمای جهان جزو کارهای بیگ‌پروداکشن هستند و از حیث جلوه‌های ویژه نیز کارهایی ویژه هستند؛ مقوله بودجه و مشکلاتی که در زمینه اقتصادی تولید و ساخت آثار سینمایی وجود دارند چقدر در زمینه کودک نیز مسئله‌ساز است؟

همه مشکلاتی که در کل سینمای ایران موجود است در سینمای کودک و نوجوان هم وجود دارد؛ هر سینمایی یک بضاعت مالی دارد. مگر بضاعت مالی سینمای ما به‌طور کلی چقدر است که انتظار بودجه زیاد برای سینمای کودک و نوجوان داشته باشیم و در کل سینمای ایران تا حد فیلم‌هایی با جلوه‌های ویژه و بیگ‌پروداکشن تولید می‌شود که ما بخواهیم انتظار ساخت چنین آثاری از سه تا چهار کار کودک در سال داشته باشیم؟

شرایط سینمای ما اساساً با سینمای جهان قابل مقایسه نیست و ما باید با توجه به شرایط زیستی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی خودمان اثری را تولید کنیم. ما نباید خودمان را با سینمای هالیوود مقایسه کنیم و ببینیم آیا به آن استاندارد رسیده‌ایم یا نه؟ البته اگر بپذیریم استاندارد است، اگر سینمای هالیوود را اصل قرار دهیم اصل مطلب زیر سوال می‌رود؛ اهداف و منش سینمای هالیوود و فیلم‌هایی در آن تولید می‌شود، نسبتی با سینمای ایران ندارند.

یکی از بدبختی‌های سینمای ایران این است که می‌خواهد خودش را به سینمای هالیوود برساند، اما اگر افق سینمای خودمان را درست تعریف کنیم، روزبه‌روز به آن نزدیک‌تر می‌شویم؛ کمبود بودجه تأثیر چندانی در کم‌ساخته شدن فیلم‌های این حوزه ندارد، بلکه گرایش کودکان و نوجوانان به فیلم‌های خارجی، عامل اصلی این موضوع است.

رویدادهای گلخانه‌ای کار کنیم تا سینما به درجه‌ای برسد که خانواده‌ها، مادران و پدران بدانند همواره در سبب سینما آثار مناسب و سالمی برای کودکان و نوجوانان وجود دارد و همچنین فیلمساز نیز از داشتن مخاطب مطمئن باشد. چرا مردم عادت ندارند فیلم کودک و نوجوان را روی پرده سینما ببینند و بیشتر به دیدن فیلم‌های کمدی و اجتماعی عادت کرده‌اند؟ این موضوع که مخاطب این حوزه بدانند فیلم‌هایی در این زمینه در حال اکران هستند، مسئله مهمی است؛ برگزاری جشنواره‌های فیلم کودکان و نوجوان و دیدن سالن‌های پر از مخاطب، خانواده و کودکان در ایجاد انگیزه به فیلمسازان این حوزه نقش مهمی دارند؛ کشور ما پر از استعداد است و چنین جشنواره‌هایی در کشف بازیگران جدید موثر هستند؛ در فیلم من، نوجوانانی ایفای نقش می‌کنند که تاکنون سابقه بازیگری نداشته‌اند و از مدارس و مساجد انتخاب شده و با یک آموزش چندماهه جلوی دوربین رفته‌اند؛ نتیجه کار هم این شد که بهترین بازیگر جشنواره فیلم کودک از فیلم ما انتخاب شد؛ اما معرفی بازیگر جدید در این حوزه نباید به دغدغه اصلی تبدیل شود چرا که اگر چرخه درست ایجاد شود، معرفی بازیگر جدید اتفاق می‌افتد.

با وجود این‌که آثار کمی در حوزه کودک و نوجوان ساخته شده است اما کارهای خوبی در این زمینه وجود دارد؛ به نظر شما برای ادامه‌دار شدن این آثار چه اقدام‌هایی باید صورت گیرد؟ در بخش آموزش و بدنه سینما، تغییر سخت است؛ حداقل اتفاقی که در این حوزه می‌تواند بیفتد این است که مدیریت فرهنگی باید به اهمیت سینمای کودک و نوجوان باور داشته باشد و از این آثار حمایت کند. جشنواره فیلم کودک و نوجوان می‌تواند خیلی باکیفیت‌تر برگزار شود و برای یک اثر کودک و نوجوان اتفاقی شبیه به اتفاقی که برای فیلم‌های مهم این حوزه در سراسر دنیا می‌افتد، رخ بدهد؛ به نظر من برای ادامه‌دار شدن آثار خوب در این حوزه انگیزه لازم است که شامل انگیزه اقتصادی است و فیلمساز بدانند بین فیلم‌هایی که روی پرده سینما می‌روند، حتماً یک سبد فیلم کودک و نوجوان وجود دارد. هنرمندان این حوزه بدانند دیده می‌شوند و بموقع از آن‌ها تجلیل می‌شود؛ درواقع یعنی تغییر نگاه به سینما و تبدیل آن از مگسی که روی کثیفی‌ها می‌نشیند به زنبوری که دنبال شهد گل می‌گردد؛ از آن جهت که سینمای کودک و نوجوان یکی از آن باغ‌های پر گل است، باعث رونق این سینما و ساخت اثر در این حوزه آرزوی هر فیلمسازی می‌شود.

در مورد فیلم خودتان در حوزه کودکان و نوجوان به نام «منطقه پرواز ممنوع» که صاحب جوایز متعددی در جشنواره فیلم کودک شده و قرار است در آبان‌ماه اکران شود هم توضیح بدهید.

من به‌عنوان عضو کوچکی از یک تیم با انگیزه و معتقد، با افتخار و سربلندی این کار را برای نوجوانان ایران تولید کردیم و سعی کردیم اثری را بسازیم که دارای قهرمان، داستان به‌روز و هیجان‌انگیز باشد؛ بازخوردهایی که از بیشتر مخاطبان به‌خصوص نوجوانان که مخاطب هدف ما هستند، دریافت کرده‌ایم مثبت بوده است؛ امیدواریم با اکران موفق، سایر فیلمسازان را برای ساخت اثر در این حوزه تشویق کنیم و خانواده هم بدانند کسانی هستند که به فکر فرزندان و آینده آن‌ها هستند.



امیر داسارگر کارگردان فیلم سینمایی «منطقه پرواز ممنوع»:

سازندگان آثار کودک جدی گرفته نمی‌شوند

فیلم سینمایی «منطقه پرواز ممنوع» اثری با محوریت چند نوجوان است که قصد ساخت یک پهباد را دارند و متوجه می‌شوند در منطقه زندگی‌شان یوزپلنگ ایرانی زندگی می‌کند. با توجه به این‌که ژانر کودک در همه جای دنیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، شما فکر می‌کنید چرا فیلمسازی در این ژانر آن‌طور که باید و شاید در ایران مورد توجه قرار نگرفته است؟

با توجه به این‌که حدود ۱۵ سال در فضای فرهنگ و هنر و به‌خصوص سینما فعالیت داشته‌ام؛ دلیل این موضوع را آن چیزی که در ایران به‌عنوان سینما معرفی و تعریف می‌شود، می‌دانم؛ همچنین محتوایی که در این مورد چه در آموزشگاه‌های خصوصی و چه در آموزشگاه‌های دولتی به جوانان آموزش داده می‌شود، دارای یک نگاه و مدل خاص از سینماست. اگر به خروجی جشنواره فیلم کوتاه تهران توجه کنیم با یک سینمای رئالیستی و ناتورالیستی که بیشتر به دنبال بیان مسائل، مشکلات واقعیت‌های اجتماعی است، مواجه می‌شویم؛ این سبک از سینما بیش از دو دهه است که دنبال می‌شود و از جانب مدیریت فرهنگی در قالب برگزاری جشنواره‌های مختلف مورد حمایت و توجه قرار گرفته است؛ این ریل‌گذاری غلط باعث کاهش انگیزه فیلمسازان برای تجربه و ورود به سایر ژانرها می‌شود؛ این مسئله فقط به ژانر کودک و نوجوان مربوط نمی‌شود و در سایر سبک‌های فیلمسازی نیز با فقر مواجهیم. در چند سال گذشته و با ورود برخی از نهادها و تهیه‌کنندگان، تعدادی فیلم نظیر «ماجرای نیمروز» در سایر ژانرها ساخته شده اما به‌طور کلی سینمای ایران به فیلم‌های کمدی و کارهای رئالیستی اجتماعی خلاصه می‌شود. این زمین بازی برای فیلمسازان تعریف شده و خیلی نمی‌توان به فیلمسازی که دنبال دیده شدن و رشد کردن است، ایراد گرفت؛ به نظر من مشکل کمبود فیلم ژانر کودک و نوجوان در سینمای ایران از این امر ناشی می‌شود که سازندگان فیلم این حوزه جدی گرفته نمی‌شوند و مطبوعات کمتر به فیلم‌های این حوزه می‌پردازند و حتی از جشنواره فجر نیز کنار گذاشته می‌شوند. اگر کسی به‌منظور مسائل مادی به دنبال ساخت این نوع فیلم‌ها برود و به این زمین پا بگذارد، درواقع یک نوع حماقت است. در مورد اهمیت سینمای کودک و تأثیر برگزاری این نوع جشنواره‌ها در کشف پتانسیل‌های موجود در فیلمسازی و معرفی بازیگران جدید توضیح دهید.

اصلی‌ترین کار سینما عبور دادن انسان‌ها از روزمرگی‌هایشان، ساختن آینده، رویا و امیدواری دادن است؛ اگر کشوری بخواهد موفق شود باید روی نسل‌های آینده‌اش سرمایه‌گذاری کند و در همه جای دنیا آموزش و پرورش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نه تنها در عرصه سینما بلکه در سایر حوزه‌ها نظیر ورزش و سلامت روی نسل آینده سرمایه‌گذاری می‌شود. سینما نقش بسیار مهمی در تربیت فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند؛ سینما، هم در موارد کوچکی نظیر مسواک زدن موثر است، هم در مسائل آرمایی. مواردی مانند باز کردن آف‌های بزرگ و گذاشتن اهداف مهم جلوی پای آن‌ها برای انجام درست‌ترین در آینده تأثیرگذار است.

برگزاری چنین جشنواره‌هایی با هر سطح کیفی به‌عنوان جایی برای عرضه مجدد آثار حوزه کودک و نوجوان مغتنم است و جای تشکر دارد؛ به نظر من دغدغه اصلی در این مورد این است که از این حوزه